

تحلیل دیدگاه دیوید کوک راجع به مقوله «جهاد» در قرآن*

محمود مکوند (نویسنده مسؤول)^۱
سمانه رحمان نژاد^۱

چکیده:

اینک مسائل سیاسی و تنش‌های ایجادشده در جهان همچون جنبش‌های تروریستی القاعده، طالبان، گروهک‌های تروریستی و داعش، سبب اسلام‌هراسی و شکل‌گیری پندار خشونت‌آمیز بودن آموزه «جهاد» شده است. همین مسأله زمینه و ضرورت تحقیقات گسترده در باب «جهاد» را فراهم آورده و بر حجم پژوهش‌ها، نوشتارها و گفتارها در این حوزه افزوده است. محققان اروپایی-آمریکایی نیز که در دهه‌های اخیر رویکرد آکادمیک در آثارشان غالب شده است، در این باب پژوهش‌هایی جدی انجام داده‌اند که تحلیل و بررسی آنها سخت ضروری می‌نماید. دیوید کوک اسلام‌پژوه آمریکایی که بیشتر آثار او درباره جهاد، شهادت و گفتمان آخرالزمانی است، یکی از صاحب‌نظران این عرصه شناخته می‌شود. در مقاله حاضر تلاش شده تا با روشی توصیفی-تحلیلی و با رویکردی انتقادی، نظرگاه دیوید کوک مورد واکاوی قرار گیرد. کوک، موفقیت و گسترش اسلام را مرهون «جهاد» می‌پندارد و معتقد است از یک سو قرآن با بیان اصول کلی جنگ، و از سوی دیگر احادیث با معنویت بخشیدن به مفهوم «جهاد» و ذکر جزئیات، آموزه خشونت‌آمیز «جهاد» را پدید می‌آورند. نکته محوری دیدگاه او این است که باوجود تحولات متعدد و پیچیده «جهاد» در تفسیر و عمل، مفهوم خشونت و جنگ از آموزه «جهاد» جدایی ناپذیر است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که استناد کوک به مسأله نسخ آیات صلح و عفو قابل پذیرش نیست. همچنین شناخت وی درباره چیستی «جهاد» بیشتر با نگاهی تاریخی آمیخته است و از منظر او، «جهاد» ماهیتی تهاجمی دارد و معنای آن جنگِ دارای ارزش معنوی است.

کلیدواژه‌ها:

قرآن / جهاد / دیوید کوک / جنگ / خشونت

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2021.59237.3080

mmakvand@khu.ac.ir

۱- استادیار دانشگاه خوارزمی

Rahmannejad_s@yahoo.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی



۱. طرح مسأله

در دهه‌های اخیر به‌ویژه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر و با برخاستن موج جنبش‌های خشونت‌آمیز با برجسب فعالیت‌های اسلامی، مقوله «جهاد» در اسلام زیر ذره‌بین اقشار عمومی و محققان غربی قرار گرفته و تحقیقات گسترده‌ای درباره چستی این آموزه و نقش قرآن در پرورش آن به انجام رسیده است. برخی از اسلام‌پژوهان غربی با ضعف تحلیل و عدم توجه به تمام ابعاد «جهاد» و فقدان یک نگاه دقیق قرآنی به این آموزه، این ارزش اسلامی را عامل خشونت و مسلمانان را پیروان این آموزه خشونت‌آمیز می‌دانند، از این رو آشنایی با دیدگاه‌های ایشان و تحلیل و بررسی آنها، از جمله موضوعات مهم پژوهشی است که بایستی مورد توجه قرار گیرد.

دیوید برایان کوک متولد سال ۱۹۶۶، تاریخ‌شناس آمریکایی و استاد تاریخ اسلام در دانشگاه رایس، از جمله اسلام‌پژوهانی است که تحقیقات فراوانی در این زمینه انجام داده است. وی در حوزه دین‌پژوهی به‌خاطر ترجمه دقیق متون اسلامی، فردی مطرح است و شناخت تاریخ صدر اسلام، متون و جنبش‌های مربوط به آخرالزمان، اسلام افراط‌گرا و ادبیات یهودی-عربی در حوزه تخصص او قرار می‌گیرد. کوک در حال حاضر دانشیار دانشگاه رایس در گروه اسلام است و در زمینه خاستگاه و گسترش تاریخی اسلام تدریس می‌نماید. او تاکنون هفت عنوان کتاب و بیش از ده‌ها مقاله علمی به رشته تحریر در آورده است. (<https://reli.rice.edu/people/faculty/david-cook>)

در این پژوهش با مبنا قرار دادن کتاب *Understanding Jihad* (شناخت جهاد) و برخی از مقالات کوک، سعی شده آراء و دیدگاه‌های وی در باب «جهاد» مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. هم‌راستا با نظر برخی اندیشمندان غربی باید گفت که کوک در این کتاب با ارزیابی بافت تاریخی «جهاد»، بررسی برخی آیات، روایات و مراجعه به آثار کهن، اطلاعات بسیاری در اختیار خواننده می‌گذارد، تا آنجا که حجم انبوه مواد و مطالب مستند به منابع اسلامی، خواننده را سخت متعجب می‌سازد (Kelsay, 2007) 135) وی همچنین برای جمع‌آوری مطالب از منابع دست اول و نگارش کتاب شناخت جهاد با اخذ بورسیه تحقیق از دانشگاه رایس، چندین سفر به خاورمیانه داشته است. (Cook, 2005, Acknowledgment) پژوهش‌های کوک در باب «جهاد» نشان از تتبع و کاوش بسیار او در منابع اسلامی دارد، اما نظراتی در سخنان وی به چشم می‌خورد که جای تأمل بسیار دارد.

کتاب شناخت جهاد که اکنون در جهان یکی از نامدارترین کتاب‌ها در خصوص «جهاد» و دارای نقشی تأثیرگذار در این حوزه است، در سال ۲۰۰۵ منتشر گردید. این کتاب شامل شش فصل و یک بخش ضمیمه است. کوک در مقدمه و فصل اول به بررسی مفهوم «جهاد»، جنگ‌های پیامبر ﷺ، اهداف «جهاد» و بررسی این آموزه قرآنی در روایات پرداخته و نشان می‌دهد که تعبیر «جهاد» در سده‌های اولیه اسلام ماهیتی خشونت‌آمیز داشته و دستورالعمل‌های قرآن در فتوحات عظیم مسلمانان نقش مهمی ایفا نموده است. در فصل دوم تحت عنوان «جهاد اکبر و جهاد اصغر»، با تفحص در معنای «جهاد» در قرآن و بازبینی دیدگاه نخستین صوفیان، متکلمان و متفکران معاصر غربی، در جست‌وجوی خاستگاه جهاد اکبر است و آن را ذاتاً عقیده‌ای مبهم و ساخته و پرداخته ذهن زاهدان و صوفیان معرفی می‌نماید. فصل سوم به بررسی جنگ‌های صلیبی، حملات مغول و پاسخ مسلمانان به این وقایع و نظرات فقهای آن دوره در خصوص «جهاد» اختصاص دارد.

وی در فصل چهارم به منظور تشریح «جهاد» در سده نوزدهم، از عملکرد وهابیان آغاز کرده و به سمت مبارزات مسلمانان در شبه قاره هند، نیجریه و قفقاز حرکت می‌کند. سپس در فصل پنجم درباره دیدگاه و آثار برخی نویسندگان سده‌های بیستم و بیست‌ویکم، مانند سید قطب، مودودی، محمد عبده و نیز جنبش‌های آن دوران سخن به میان می‌آورد و در فصل آخر، به تحلیل شهادت و اسلام تندرو می‌پردازد. سرانجام در فصل ضمیمه، مقالات و برخی سخنرانی‌های افراط‌گرایان جهادی، رهبران القاعده، سخنان فرمانده حمله ۱۱ سپتامبر و موارد مشابه را ترجمه می‌نماید.

کوک در بخش سخن پایانی یادآور می‌شود که جهاد نظامی در اسلام جزئی جداناپذیر و از عوامل اصلی موفقیت آن است، در نتیجه مسلمانان برآنند تا از طریق «جهاد»، قدرت اسلامی را به منظور تسلط شریعت اسلام باز گردانند. باین‌همه، عده‌ای از توجیه‌گران در پی آن هستند تا با الهام از روش یهودیان و مسیحیان در تفسیر مجدد آیات خشونت‌آمیز و یا تکذیب آنها، بیشتر روی «جهاد اکبر» تأکید کنند.

با اینکه دیوید کوک فردی شناخته‌شده در حوزه پژوهش درباره موضوع «جهاد» در اسلام است، اما تاکنون نظرات وی مورد مطالعه و تبیین قرار نگرفته است، بدین سبب در پژوهش حاضر برآنیم تا به نقل و تحلیل آرای او پرداخته و با تکیه بر واکاوی و بررسی آثار وی، به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:



۱- نظرگاه دیوید کوک در باب مسأله «جهاد» تا چه میزان نظام‌یافته، دقیق و همه‌جانبه است؟

۲- خاستگاه و مبانی دیدگاه دیوید کوک در این باب چیست؟

۳- وی به چه علت معنای «خشونت» را در «جهاد» پررنگ می‌پندارد؟

در باب پیشینه مقاله حاضر لازم است اشاره شود که تاکنون پژوهشی مستقل در زمینه بررسی دیدگاه دیوید کوک درباره مقوله «جهاد» انجام نگرفته است. با این حال، پژوهش‌هایی نه‌چندان گسترده و با رویکردی کلی در بررسی و نقد آرای قرآن‌پژوهان غربی در خصوص موضوع «جهاد» در اسلام صورت گرفته که می‌توان به این موارد اشاره کرد:

مقاله «نقدی بر دیدگاه مستشرقان درباره نقش «جهاد» در گسترش اسلام»، نوشته حسین عبدالحمیدی که در این تحقیق مهم‌ترین دیدگاه‌های برخی اسلام‌پژوهان همچون لاپیدوس، حورانی و هیوم مبنی بر گسترش اسلام با «جنگ»، «جهاد» و کسب غنائم ارائه شده و سپس این دیدگاه از منظر قرآن مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این حوزه، پژوهشی نیز با عنوان «نقد آرای فایرستون درباره آیات جهاد» توسط حسین رضایی هفتادر و علی‌رضا حیدری به رشته تحریر درآمده است. در این مقاله نظرگاه فایرستون درباره وجود تناقض در آیات جهاد تحلیل و نقد شده است. از دیگر مقالات در این زمینه که به بازنگری آثار پژوهشگران غربی بر اساس مستندات تفسیری و روایی می‌پردازد، مقاله «نقد دیدگاه فایرستون درباره ناسازگاری در آموزهای قرآنی جهاد»، نوشته ولایتی و طباطبایی است.

۲. معنا و مفهوم «جهاد» از نگاه دیوید کوک

واژه «جهاد» از ریشه «جهد» به معنای مشقت، سختی، تلاش، طاقت و رساندن یک امر به انتهاست. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۸۶/۳؛ ابن درید، ۱۹۸۸: ۴۵۲/۱؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۲۶۶؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳۱۹/۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۳۹۶/۱) در باب معنای اصطلاحی آن گفته‌اند که «جهاد» عبارت است از اهدای جان و مال به صورت خاص در راه جنگ با مشرکان و متجاوزان با هدف تعالی اسلام. (عاملی جبعی، ۱۳۸۷: ۳۷۹/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳۲/۳؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۳/۲۱) همچنین افزوده‌اند که هر عرصه‌ای که انسان تلاشی فراتر از حد معمول در مسیر خود به سوی حضرت حق متحمل شود، شامل «جهاد»

می‌گردد؛ همچون جهاد در برابر جنود شیطان و خواهش‌های نفسانی که به جهاد اکبر تعبیر شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۱/۱۵؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۳۵۰/۲۱)

دیوید کوک نیز با بررسی معنای لغوی جهاد و پس از ذکر مفاهیمی مانند «تلاش کردن» و «خود را به زحمت انداختن»، اشاره می‌کند که دریافت معنای روشن و همه‌جانبه واژه، تنها از رهگذر معنای لغوی به دست نمی‌آید، بلکه باید بافت مذهبی‌ای که واژه از آن برخاسته، تاریخچه درازدامن واژه، ادبیات و نیز تاریخ‌نگاری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد (Cook, 2005: 1)؛ از این رو وی بیان می‌دارد: «همواره میان آنچه که در کتاب‌ها و رسائل کلامی و فقهی نگاشته می‌شود و عمل فرد متشرع تفاوت وجود دارد و اغلب اوقات این تفاوت چشمگیر است؛ بنابراین جهاد باید با لحاظ نگاشته‌های مسلمانان درباره این موضوع و نیز نحوه عملکرد آنان در طول تاریخ، تعریف شود.» (Ibid, 2)

کوک با چنین پیش‌فرضی و مبتنی بر بررسی شرایط مسلمانان در مکه و مدینه، به این نتیجه می‌رسد که گرچه نخستین سوره‌های نازل‌شده نشان از آغاز اسلام با دعوت صلح‌آمیز به سوی یگانگی مطلق خداوند دارد؛ اما جهاد پس از هجرت به مدینه و با به قدرت رسیدن پیامبر ﷺ، ظهور و معنا پیدا کرده است. (Ibid, 6)

کوک با این دیدگاه، جهاد را «جنگ دارای اهمیت معنوی» تعریف می‌کند. (Ibid, 3) وی این تعریف را با تکیه بر یک رویکرد فقهی و همچنین کاربرد واژه نزد مسلمانان در دوران پیشامدرن ارائه می‌نماید و از تعریف دایرةالمعارف اسلام در این باب بهره می‌برد: «در فقه، جهاد عبارت است از عملیات نظامی با هدف گسترش اسلام و در صورت لزوم دفاع از آن». (Tyan, 1991: 538) او همچنین جهاد را «جنگ مقدس الهی» (Cook, 2011: 509) و «جنگ قاعده‌مند به فرمان خداوند» تعریف می‌نماید و بر این باور است که قرآن برای بیان این مفهوم از واژه «قتال» استفاده می‌کند. (Cook, 2012: 1)

به نظر می‌رسد کوک با انتخاب معادل جنگ و ستیز (war)، بر ماهیت خشونت‌آمیز جهاد تأکید می‌کند. با این حال وی با افزودن قید «معنوی» و تصویب آن از سوی خداوند، به الهی بودن آن نیز اشاره دارد. این دیدگاه از آنجا نشأت می‌گیرد که وی معتقد است در ادیان توحیدی، «مذهب» و «خشونت» با هم پیوندی عمیق دارند و این ارتباط دارای دو بعد است: بعد مقدس که در آن مردم با حضور در جنگ به رستگاری می‌رسند و برای رسیدن به این مقام، تنها یک راه وجود دارد و دیگر اقسام پرستش،



شیطانی و فریبنده هستند. و بعد دیگر آن مشروعیت بخشی است که فرمانروایان با استفاده از خشونت به دنبال تحکیم جواز قدرت سیاسی خود هستند؛ بنابراین خشونت برای یک مذهب ابزاری کاربردی است. (Cook, 2011: 511) از نقطه نظر کوک، برخی از مفسران و متفکران اسلامی به سبب توارد ذهنی منفی این واژه در جهان و به منظور خارج ساختن «جنگ تهاجمی» از مفهوم جهاد و دور نگه داشتن مذهب خویش از ارتباط با خشونت و فتوحات، بیان می‌دارند این واژه صرفاً به معنای «تلاش کردن» است و چنین وانمود می‌کنند که مفهوم «جهاد بدون خشونت» در اسلام، امری ذاتی است و معنای این اصطلاح منحصرأ معنوی است. کوک با این دیدگاه مفسران مخالفت می‌کند و می‌کوشد تا نشان دهد خشونت و جنگ از جهاد جداشدنی نیست و تلاش برای حذف این معنا، امری فریبنده است. (Cook, 2005: 2)

به باور کوک، بین قرآن و جهاد ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد؛ زیرا قرآن با ارائه راهبردهای مذهبی و گسترده برای برپایی جنگ علیه دشمنان اسلام، تضمین حمایت خداوند و بشارت پیروزی بر دشمنان، پایه‌ای محکم و استوار برای جهاد می‌سازد که می‌تواند عامل اصلی فتوحات مسلمانان در سده‌های هفتم و هشتم میلادی باشد. (Ibid, 11) وی با تکیه بر این پندار، سوره توبه را به عنوان مهم‌ترین سوره برای مطالعه جهاد در قرآن پیشنهاد می‌دهد. کوک همراه با نظرگاه برخی از مفسران، علت عدم آغاز سوره توبه با «بسم‌الله» را ماهیت جنگی سوره، اعلان جنگ و اظهار براءت از مشرکان می‌داند (طوسی، بی تا: ۱۶۷/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۵) و بیان می‌دارد که سوره توبه شامل لغو مصونیت تضمین شده کافران، آموزه‌های نظامی، نحوه ارتباط با کفار، حتی خویشاوندان و دوستان کافر و شکل‌گیری الگوواره تسلط مسلمانان بر اهل کتاب است که نظام اجتماعی اسلام را برای سده‌های آتی طراحی می‌نماید. (Cook, 2005: 10)

کوک اگرچه قرآن را نقشه هدایت جهاد معرفی می‌کند، با این حال آن را به مثابه منبع قرار نمی‌دهد و برای شناسایی مفهوم جهاد، بیشتر روی عملکرد مردم و وقایع تاریخی تمرکز می‌نماید و تنها به ذکر تعدادی انگشت‌شمار از آیات قناعت می‌کند. (Ibid, 7) وی از آنجا که جهاد را از جنگ تفکیک‌ناپذیر می‌داند، تنها آیاتی را لحاظ می‌کند که به جهاد نظامی مربوط می‌شوند و دیگر آیات جهاد و آیات عفو و صلح را یکسره نادیده می‌انگارد. با بررسی نظرات کوک، با پیش فرض مبهم بودن ماهیت جهاد در بیشتر آیات، می‌توان این گونه ادعا نمود که او سه معنای قرآنی برای جهاد برمی‌شمرد.

۲-۱. جهاد به معنای تلاش

کوک با تفحص در قرآن، یکی از معانی جهاد را «تلاش و کوشش» بیان می‌کند: «آیاتی در قرآن از جمله «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸)، تقلا و تلاش صرفاً معنوی را توصیف می‌کنند. در این آیه جهاد به معنای بنیادین خود در زبان عربی، یعنی «تلاش» به کار رفته است. همچنین برخی مفسران احادیثی ذکر کرده‌اند که بیان‌کننده نگرش غیرخشونت‌آمیز از جنگ معنوی درونی است.» (Ibid, 32)

۲-۲. جهاد به معنای تبلیغ مذهبی

معنای دیگری که کوک درباره جهاد ذکر می‌کند، تبلیغ مذهبی است و در این باره می‌گوید: «مفسران متفقاً معتقدند آیه «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲) دعوت به اسلام است. در این آیه به پیامبر دستور داده می‌شود قرآن را برای کافران تبلیغ کند و از این طریق، سرنوشتی قریب‌الوقوع را به آنها هشدار دهد و آنها را از پوچ بودن زندگی‌هایشان آگاه کند. چنین تفسیری نشان می‌دهد که تبلیغ مذهبی ممکن است تحت عنوان جهاد قرار گیرد و بخشی از مسؤولیت مبارزان، اعلام حقیقت باشد.» (Ibid, 34)

وی از آنجا که نمی‌خواهد معنای نظامی جهاد کم‌رنگ جلوه کند و نیز برای ممانعت از شکل‌گیری این تلقی که جهاد می‌تواند گستره وسیع‌تری داشته باشد، با بیان احادیثی در خصوص مصادیق جهاد می‌گوید: «اگرچه این آیه، تبلیغ را جهاد می‌نامد، اما نمی‌توان مانند برخی مدافعان جهاد اکبر و کسانی که می‌خواهند بُعد نظامی را از معنای جهاد بزدايند، این گونه استنتاج نمود که این معنای انحصاری جهاد است؛ زیرا بیشتر احادیث بیانگر این هستند که جهاد ترکیبی از دو معناست: «با کفار با جان، اموال و زبانان مبارزه کنید». گاهی اوقات در روایات، دیدگاه و رای جهاد اکبر و جهاد اصغر این گونه بیان می‌شود: «مؤمن با شمشیر و زبانش می‌جنگد». در حقیقت این دسته از احادیث دوگانگی فعالیت جهاد را القا می‌کنند.» (Ibid, 35)

۲-۳. جهاد به معنای جنگ و خشونت

در نظرگاه کوک پیوند جهاد با مفاهیم جنگ و خشونت ناگسستنی است. در چنین رویکردی، جهاد نوعی جنگ به‌منظور سیطره اسلام بر جهان معرفی می‌گردد. (Tyan,



538:1991) معیارهای زبان‌شناختی و متنی نیز به کار می‌آیند تا نشان دهند که هر جا ریشه «جهد» و مشتقات آن با یک اصطلاح نظامی همچون «الْقَاعِدُونَ»، «مُحَلَّفُونَ»، «اسْتَأْذَنُوكَ» یا «انْفِرُوا» هم‌نشین شود، این ریشه قطعاً به معنای «جنگ» است و از آنجا که قرآن طرفدار «جنگ» است، بیان مقام والای مجاهدان در آیاتی مانند ۷۲ انفال و ۲۰ توبه، در حقیقت اشاره به جایگاه مبارزان جنگی و ترغیب به جنگ است. (Tasseron, 2001: 35)

کوک با اتخاذ این رهیافت برآن است تا پربسامدترین معنای جهاد را در قرآن، جنگ نشان دهد، از این رو می‌نویسد: «بیشتر آیات جهاد در قرآن درباره افرادی است که ایمان دارند، مهاجرت می‌کنند و در راه خدا می‌جنگند؛ یعنی در آن عبارت «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» آمده است؛ مانند بقره: ۲۱۸، انفال: ۷۲، توبه: ۲۰، حجرات: ۱۵. در این دسته آیات، ماهیت نظامی جهاد به وضوح مشخص است.» (Cook, 2005: 32)

علاوه بر این با استشهاد به آیات ۹۵ سوره نساء و ۴۶ سوره توبه تلاش می‌کند تا با مبنا قرار دادن فضیلت مجاهدان و عدم همسانی مقام آنان با قاعدون، معنای خشونت‌آمیز جهاد را در قرآن ثابت نماید: «هنگامی که قرآن مجاهدان و افراد غیر نظامی را یکسان تلقی نمی‌نماید، بیانگر این است که از مفهوم خشونت‌آمیز جهاد حمایت می‌کند.» (Ibid, 33)

همچنین وی در مقام اثبات معنای جنگ تأکید می‌کند که با توجه به آیه ۲۴ سوره توبه و آیه اسوره ممتحنه، واضح است که جهاد به معنای جنگ است. افزون بر این، واژه «مجاهدین» در قرآن به معنای «مبارزان» است. (Ibid, 43)

در مجموع کوک با بررسی برخی آیات جهاد در قرآن تأکید می‌کند که گرچه جهاد ترکیبی از جهاد نظامی و جهاد فرهنگی است و در بعضی آیات و احادیث به معنای «تلاش» آمده است، اما به لحاظ پیچیدگی معنای اصلی و مبهم بودن فعالیت‌های ذکر شده، بهترین ترجمه برای فعل «جهد»، جنگیدن است و قرآن حامی جنگ است. (Ibid, 35)

۲-۴. سیر تحول معنا و مفهوم جهاد

کوک از جمله کسانی است که معتقد است جهاد اکبر مفهومی است که بعدها توسط زاهدان و معلمان اخلاق همچون المحاسبی و ابن‌ابی‌الدینا جایگزین جهاد نظامی شده

است. (Ibid, 36) بر این اساس تمایل دارد نشان دهد که معنای جهاد با گذشت زمان تغییر یافته است؛ لذا می‌گوید: «در سده‌های نخستین اسلام، منظور از جهاد، جنگ و خشونت بود، اما پس از کاهش فتوحات (در میانه سده هشتم میلادی)، گونه غیرنظامی جهاد برجسته گردید و شواهدی برای مفهوم تقریباً غیر نظامی جهاد دیده شد؛ زیرا با گسترش قلمرو اسلامی، بسیاری از مسلمانان قادر به ترک خانه، خانواده و شرکت در جنگ نبودند؛ لذا معنای اصلی جهاد به «کوشش» و «تلاش» تغییر یافت.» (Ibid, 32)

کوک روند تغییر معنایی جهاد را حذف خشونت، پذیرش تنوع مذهبی و تأکید بر جهاد اکبر بیان می‌دارد. وی معتقد است که این تغییر جهت، به تدریج در طول تاریخ و همگام با تحولات اجتماعی و سیاسی از خشونت به صلح، مدارا و مبارزات درونی صورت گرفته، اما هنوز در اسلام معاصر به‌طور کامل تحقق نیافته است؛ زیرا این تغییر جهت، نیازمند تفکیک تام جهاد نظامی از جهاد اکبر خواهد بود. (Ibid, 166)

۳. اهداف جهاد

اسلام‌پژوهان غربی درباره اهداف جهاد نظر واحدی ندارند. بسیاری از آنان جهاد را نوعی «جنگ» به‌منظور گسترش اسلام، تغییر آیین، بسط قلمرو اسلامی و غلبه بر تمام جهان قلمداد می‌کنند. (Huzen, 2005: 4; Cohen, 2014: 685; Crone, 2007: 4; Spencer, 2005: 107) تنها شماری اندک با بررسی منصفانه منابع اسلامی و تاریخی، هدف جهاد را جنگ و غلبه بر جهانیان نمی‌دانند، بلکه آن را تلاشی فوق‌العاده در تمام عرصه‌های زندگی معنا می‌کنند. (Marranci, 2006: 19; Ssenyonjo, 2012: 3) کوک نیز با برداشتی ناصحیح از آیات و منابع حدیثی و با تمرکز بر وقایع تاریخی، اهداف جهاد را موعودگرایی، افزایش تعداد پیروان و کنترل قلمرو ذکر می‌کند و با استناد به آیه ۲۹ سوره توبه، غلبه بر غیرمسلمانان را به‌مثابه یکی دیگر از اهداف جهاد بر می‌شمرد. افزون بر این، وی معتقد است که از دیگر اهداف جهاد، گسترش اسلام و تغییر آیین است. مستند کوک در این خصوص آیات و روایاتی است که در ادامه می‌آید.

پیامبر فرمود: «خدا به من فرمان داده با مردم بجنگم تا بگویند خدایی جز الله نیست. پس از اظهار این شهادت، مال و جانشان محفوظ است.» این حدیث رابطه میان جنگ و تغییر آیین را نشان می‌دهد و با توجه به آیاتی مانند بقره: ۶۲، مائده: ۶۹ و حج: ۱۷،



جنگ تا زمان تغییر آیین ادامه خواهد داشت و تنها برای اهل ذمه (یهودیان، مسیحیان و صابئان) استثنایی وجود دارد. (Cook, 2005: 25)

بنا به گزارش کوک، منافع اقتصادی نیز یکی از مقاصد جهاد می‌تواند باشد؛ چرا که در ادبیات دینی مرتبط با جهاد، اهداف اقتصادی در گرایش مسلمانان نخستین به سوی جنگ بسیار آشکار است و احادیث فراوانی درباره غنایم و بردگان در منابع روایی آمده است. با این حال وی به این نکته نیز اشاره می‌کند که در برخی روایات، محرک‌های پست، همچون غنایم و کنیزکان با توجه به اهداف معنوی جهاد کنار گذاشته شده‌اند. (Ibid)

۴. دیدگاه کوک درباره نسخ آیات صلح

برخی از دانشمندان علوم قرآنی، مفسران و به تبع آنان شماری از اسلام‌پژوهان غربی معتقدند مسلمانان در آغاز دعوت پیامبر ﷺ به علت قلت و ضعف، اجازه جنگ نداشتند، اما با هجرت مسلمانان به مدینه و تأسیس دولت جدید، شرایط تغییر کرد و جنگ به گزینه‌ای قابل قبول تبدیل شد. البته در آغاز محدودیت‌هایی برای جنگ وجود داشت، اما با گذشت زمان و کسب قدرت، آیاتی نازل شد که آیات قبلی را نسخ می‌کرد و مسلمانان را به تدریج از جنگ دفاعی خارج و به سوی قتال با تمام کفار و ریشه‌کنی آنان سوق می‌داد. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴۳۷/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۶/۱۴؛ Tasserion 2001: 41; Bonner, 2006: 46; Bakircioglu, 2010: 426 افراد، به آیات ۱۱۱ و ۵ سوره توبه اشاره کرده و آنها را ناسخ دیگر آیات جهاد و صلح معرفی می‌نماید و این‌گونه ماهیت جهاد را جنگ طلب نشان می‌دهد.

۴-۱. آیه ۵ سوره توبه

«فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَخْصِرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلٌّ مَّرْصِدٌ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

این آیه که توسط شماری از مفسران و اندیشمندان به «آیه سیف» معروف شده و به گفته برخی اسلام‌پژوهان از ابداعات آنان است (Fatoohi, 2013: 121; Parrott, 2018: 18)، از مسأله‌سازترین آیات در خصوص جهاد از منظر غربیان است و کلام آخر در موضوع جهاد و ناسخ آیات صلح تلقی می‌شود. این آیه به مسلمانان دستور می‌دهد با مشرکان بجنگید تا اسلام بیاورند (Tasserion, 2001: 40; Spencer, 2005:)

39). دیوید کوک نیز با منسوخ فرض نمودن آیات صلح و عفو می‌نویسد: «موضوع اصلی سوره توبه لغو مصونیت و فرمان جنگ با قبایلی است که پیش از نزول این آیه مسلمان نشده‌اند. طبق نظر برخی مفسران، این آیه ناسخ آیات صلح و عفو است. با وجود اینکه مخاطب آیه، اعراب عصر نزول بوده است، اما فقهای مسلمان از آن برای اعلام جهانی جهاد علیه غیرمسلمانان بهره می‌برند.» (Cook, 2005: 10)

۴-۲. آیه ۱۱۱ سوره توبه

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبِعْكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.»

به باور کوک طبق این آیه، جهاد عامل پاک‌سازی از گناهان، رستگاری و نجات است. بر این اساس، جهاد برای مسلمان صدر اسلام معادل آموزه صلیب برای مسیحیان تلقی می‌گردد. (Cook, 2001: 9; 2012: 367) بر این اساس، وی آیه مذکور را «قرارداد نجات‌بخش بین خداوند و مسلمانان» و ناسخ آیات صلح معرفی می‌نماید و درباره آن می‌گوید: «این آیه، قدرت منحصر به فردی دارد و یک معامله آشکار است. زندگی مسلمانان، مال و دارایی‌شان به خدا داده می‌شود و در عوض بهشت برای آنها تضمین می‌شود؛ زیرا شمشیر به همراه نیت خالص، گناهان مؤمن را پاک می‌کند و سبب رستگاری و نجات می‌گردد.» (Cook, 2005: 9)

سپس نویسنده برای مستند ساختن نظر خود به روایت زیر از کتاب *الجهاد* ابن مبارک متمسک می‌شود: «کشته‌شدگان سه دسته هستند: مؤمنانی که با جان و اموال خود در راه خدا می‌جنگند تا کشته شوند. این شهیدان در عرش الهی جای خواهند داشت و پیامبران به جایگاه آنان نمی‌رسند، مگر با مقام نبوت. دسته بعدی مؤمنانی هستند که گناهی انجام داده‌اند و با مال و اموال خود در راه خدا با دشمن می‌جنگند تا خود نیز کشته شوند، اما شمشیر گناهان، آنان را پاک می‌سازد و از هر دری که بخواهند، وارد بهشت خواهند شد. دسته سوم، منافقانی که با جان و اموال خود در راه خدا می‌جنگند تا کشته شوند، این افراد در جهنم خواهند بود؛ زیرا شمشیر، نفاق را از بین نمی‌برد.»

وی مدعی می‌شود این دسته از احادیث همراه با آیه فوق، جهاد را به‌عنوان جنگی معنوی معرفی می‌کنند (Ibid, 15) و به موجب آن، بُعد معنوی جهاد و جنگیدن سبب



تغییر و تحول فرد، جامعه و در نهایت سبب تلاش برای تشکیل حکومت عادلانه می‌گردد، بر این اساس می‌نویسد: «این حدیث از مبارز توقع شاقی دارد و به یک تحول معنوی اشاره می‌کند که در فرایند جنگیدن، ذاتی است. مبارزان دسته اول و دوم به سبب تحولاتشان (کنار گذاشتن دنیا و غلبه بر نفس) مورد تحسین قرار گرفته‌اند. این می‌تواند در سطح کلان به مثابه تحولی عظیم در جامعه نگریده شود که به سوی تشکیل حکومت آرمانی پیش می‌رود.» (Cook, 2012: 367)

به نظر می‌رسد وی بر آن است تا نشان دهد که اگرچه آیات صلح و جهاد دفاعی در قرآن آمده، اما با این دو آیه نسخ می‌شوند. بر این اساس جهاد تنها به معنای جنگ و اعمال خشونت است؛ زیرا خداوند برای مجاهدانی که در جبهه‌های جنگ از جان و مال خود می‌گذرند، بهشت را تضمین و با این معامله، آنها را تشویق به جنگ می‌نماید.

۵. تحلیل و بررسی

چنان‌که اشاره شد، مطالعات دیوید کوک در زمینه جهاد مهم و خطیر است، با این حال برخی از نظرها‌های وی در خصوص آموزه جهاد در اسلام مستلزم تأمل بیشتری است. مطالعه و بررسی سخنان کوک نشان می‌دهد که عمده‌ترین اشکالات وارد بر استدلال‌ها و استنتاج‌های وی به قرار زیر است:

۵-۱. برداشتی ناصحیح از معنای جهاد در قرآن

کوک در بیان معنای قرآنی جهاد، متأثر از نگاهی تاریخی و فارغ از دیگر ابعاد این آموزه الهی، تأکید می‌کند که جنگ با جهاد ارتباطی ناگسستنی دارد و ماهیت جنگی از آموزه جهاد جدایی‌ناپذیر است. بنابراین نظرگاه و مستندات او در دو محور زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۵-۱-۱. عدم بررسی همه‌جانبه آیات مورد استناد

کوک با نگاهی به نسبت صحیح و همدل با مفسران، معنای جهاد در آیات حج: ۷۸ و فرقان: ۵۲ را به ترتیب جهاد معنوی و جهاد فرهنگی بیان می‌دارد. (تیمی، ۱۴۲۵: ۴۸۶/۱؛ طوسی، بی‌تا: ۴۹۸/۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۲۶/۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۷/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۰۶/۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۷۴/۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۲۸/۱۵) با این حال

بدیهی است که به‌طور کلی جهاد در راه خدا و اعتزاز کلمه اسلام، شامل مبارزه با دشمن ظاهری و دشمن باطنی (شیطان و نفس اماره) هر دو می‌شود (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۸۰/۴؛ ابوحنیفان، ۱۴۲۰: ۵۳۹/۷)؛ به‌ویژه که جهاد مقید به قید «فی سبیل الله» شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۱۱/۱۴) از سوی دیگر، توجه به این نکته ضروری است که آیات متعددی در قرآن سفارش به جهاد فرهنگی می‌نماید و برخلاف باور کوک، منحصر به آیه ۵۲ فرقان نمی‌شود.

دانستیم که کوک با استناد به برخی آیات، به‌خصوصاً بقره: ۲۱۸، انفال: ۷۲، توبه: ۲۰ و حجرات: ۱۵، معنای جنگ را محرز اعلام می‌نماید. بررسی این آیات نشان می‌دهد که گرچه برخی از مفسران منظور از جهاد در عبارت «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» را کشتن کفار و مقاومت در مقابل دشمنان ذکر می‌کنند (طبری، ۱۴۱۲: ۲۰۷/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۶: ۵۵۳/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۸۳/۱)، اما این عبارت ویژگی مجاهدان و سیمای واقعی مؤمنان را نشان می‌دهد؛ خصوصیات که شامل ایمان، هجرت و گذشتن از جان و مال می‌باشد و این از خودگذشتگی می‌تواند تمام شئون زندگی را دربر گیرد. به گفته آیت الله جوادی آملی، در واقع جهاد می‌تواند شامل جهاد اکبر، اوسط و اصغر گردد. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۱۱۶/۳۳)

همان‌طور که می‌دانیم، آیه ۱۵ سوره حجرات «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» نیز به توصیف مؤمنان واقعی و نشانه‌های آنان می‌پردازد که برای پیشبرد راه خدا، تمام توان خویش را به‌کار می‌گیرند. به دیگر سخن، منظور از جهاد در این آیه، انجام اعمال صالح، پایبندی به اوامر الهی و پایداری و استقامت در این مسیر است. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۳۸/۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۸۰/۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۱۹/۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲۹/۱۸) با این‌همه، گویا کوک تنها روی نظر برخی از مفسران مبنی بر شرکت در جنگ و قتال با دشمنان متمرکز شده است. (برای نمونه نک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۹۹/۴؛ طبری، ۱۴۱۲: ۹۱/۲۶) همچنین کوک با استناد به آیه ۲۴ سوره توبه تأکید می‌نماید معنای جهاد، جنگ است، در حالی که در این آیه خداوند عوامل و علایقی را برمی‌شمرد که نفس را به خود جلب می‌کنند، سپس متذکر می‌شود که اگر مردم آنها را بر محبت خدا و رسول مقدم بدارند، باید منتظر عواقب آن باشند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۷/۹) در این آیه نیز جهاد محدود به جهاد نظامی نمی‌شود و هر گونه تلاش در راه پیشبرد اهداف اسلام را دربر می‌گیرد.



با توجه به آنچه گذشت، و با ارجاع به بافت‌های مختلف قرآن، این گونه استنباط می‌شود که جهاد گستره وسیعی دارد و محدود به میدان جنگ نمی‌شود، بلکه شامل هر گونه تلاش و از خودگذشتگی در راه خدا می‌گردد. (Huzen, 2007: 11; Bonner, 2006: 21) در واقع هر عرصه‌ای - مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و غیره - که فرد در آن با هدف رضایت‌مندی خداوند برای رسیدن به رستگاری به‌پا خیزد و به تلاش و کوشش مشغول گردد، از مقام والا و ارزشمند مجاهد برخوردار خواهد بود که در برخی شرایط ابزار مناسب برای این تلاش، مبارزه نظامی و در مواردی دیگر، چیزی جز آن است. (Heck, 2004: 98; Ssenyonjo, 2012: 4; Kelsay, IESS, Jihad)

با توجه به مباحث مطرح‌شده از سوی این اندیشمند در خصوص معنای قرآنی جهاد، چنین فهمیده می‌شود که نگرش وی در مورد جهاد در اسلام ثابت نبوده و باوجود درک دیگر معانی جهاد، سعی در برجسته نمودن معنای جنگ دارد. به گفته کِلِسی، آنچه در اندیشه کوک هویدا است، دوگانه‌گویی است. (Kelsay, 2007: 135) به‌نظر می‌رسد منشأ این دیدگاه ناصواب آن است که کوک جهاد را با عینک تاریخی بررسی کرده و فتوحات مسلمانان را مصداق بارز جهاد در اسلام می‌داند و با اعتماد به نظر برخی مفسران و مبنا قرار دادن آیات مطلق و نادیده انگاشتن آیات مقید و آیات صلح، به چنین معنایی دست یافته است.

۵-۱-۲. نگاهی وارونه در بررسی سیر تحول مفهومی جهاد

همان‌طور که ذکر شد، کوک بافت پیدایش و ظهور جهاد را آیات مدنی می‌داند، از این‌رو بدون توجه به معنای جهاد در آیات مکی و دیگر مصادیق جهاد، با بررسی عملکرد مسلمانان در طول تاریخ، تصریح می‌کند که معنای جهاد با تغییر و تحول در شرایط مسلمانان، از جنگ به تلاش و کوشش رسیده است. حال آنکه باید گفت تحول معنایی جهاد روندی کاملاً مخالف با دیدگاه کوک طی کرده است. در واقع با بروز جنگ‌های مختلف در مرزهای داخلی و خارجی جهان اسلام در سال‌های نخست پس از رحلت پیامبر ﷺ و با گسترش دستگاه‌هایی در صورت‌بندی‌های جدید اسلامی مانند تفسیر و فقه، مفهوم جهاد در بافت‌های گوناگون به‌جای مفهوم «قتال» به‌کار رفت و جنگ پربسامدترین معنای کاربردی آن شد. (پاکتچی، ۱۳۶۷: ۱۶/۱۹) با بررسی وقایع تاریخی پس از رحلت پیامبر ﷺ مشاهده می‌گردد که روش حاکمان تأثیری شگرف و

گسترده بر مفهوم جهاد داشته و بیشتر ابزاری برای گسترش قلمرو تلقی گردیده است تا تلاشی مذهبی در راه رضای خدا (Heck, 2004: 98; Marranci, 2006: 23) و از اواخر سده هشتم میلادی، مفهوم جهاد با آموزه «جنگ» همراه شده و معنای «مبارزه مسلحانه» غالب آمده است. (Afsaruddin, 2006: 331; Bonner, 2006: 22)

توجه به این نکته نیز شایان توجه است که جهاد اکبر پدیده‌ای جدا از جهاد نیست که بپذیریم سال‌ها بعد از نزول قرآن توسط علمای اخلاق و صوفیان به وجود آمده است. در حقیقت قدمت مفهوم جهاد درونی و جهاد معنوی به اندازه مفهوم جهاد بیرونی است. (Bonner, 2006: 21) به عبارت دیگر، جهاد اکبر قسمی از آموزه قرآنی جهاد است که از ابتدای نزول مفهوم جهاد، جریان داشته است.

در مجموع با بررسی معنای جهاد و مصادیق آن در قرآن و سیر تحول معنای آن پس از رحلت پیامبر ﷺ در طول تاریخ، مشخص می‌گردد که جهاد به تدریج معنای وسیع و رفیع خود را از دست داده و با ضیق معنایی، در مفهوم «جنگ» به کار رفته است. بدین جهت علل تغییر معنای قرآنی جهاد، انحصار آن به قتال و محو شدن دیگر مصادیق قرآنی آن را باید در زمینه‌های تاریخی و فرهنگی یافت.

۲-۵. ناسازگاری برداشت کوک از هدف جهاد با مقاصد قرآنی آن

همان‌طور که ملاحظه شد، جهاد از نظرگاه کوک مشتمل بر اهدافی مانند افزایش پیروان، کنترل قلمرو، تغییر آیین، تسلط بر غیرمسلمانان و منافع اقتصادی است. با این حال از منظر قرآن، در آیاتی نظیر بقره: ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۵۱، حج: ۳۹، ۴۰ و نساء: ۷۵، هدف از جهاد، دفاع، رفع فتنه و ظلم، فراهم نمودن زمینه برای رشد و کمال انسانیت است.

همچنین کوک می‌پندارد که جهاد، جنگ برای تغییر آیین است؛ اگرچه اهل کتاب می‌توانند بر آیین توحیدی خود باقی بمانند. استثنای مورد اشاره کوک، خود گواه آن است که هدف جهاد تغییر آیین نیست؛ زیرا اگر هدف از جهاد چنین بود، مسیحیان و یهودیان نیز باید مسلمان می‌شدند. از سوی دیگر، آیات مورد استناد کوک ارتباطی به مسأله «جهاد و تغییر آیین» ندارد، بلکه مضمون آیات ذکرشده بیانگر این است که ایمان ظاهری با نام‌های مختلف از قبیل یهودیان، مسیحیان، صابئان در پیشگاه خدا هیچ ارزشی ندارد و سعادت هر کسی وابسته به عبودیت است، نه به نام‌گذاری. (طباطبایی،



افزون بر این، برداشت مفهوم اجبار از روایت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که «خدا به من فرمان داده با مردم بجنگم تا بگویند خدایی جز الله نیست»، ادعایی بی دلیل است. بررسی سیره نبوی نشان می دهد که بستن پیمان صلح، از اقدامات اولیه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به منظور ایجاد نظم و عدالت، جلوگیری از بروز هر گونه تشنج و برقراری زندگی مسالمت آمیز با گروه های مختلف بوده است. (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۵۰۱/۱) پروت نیز با نگاهی محققانه در این زمینه و با تشکیل خانواده حدیثی نشان می دهد که دقیقاً با چه افرادی باید جنگید و اینکه روایت مذکور شامل عموم مردم نمی شود. (Parrott, 2016, 12) مراجعه به دسته دیگری از روایات در جوامع حدیثی معتبر شیعه و اهل سنت نشان می دهد که پیامبر اسلام اساساً تلاش می کرد تا بر خشونت افسارگسیخته جامعه عصر خود لگام بزند و با پایان دادن به مخاصمه و دشمنی، حتی با مشرکان نیز به نوعی مصالحه دست یابد. در یکی از این روایات که در تهذیب الاحکام شیخ طوسی و صحیح مسلم و نیز برخی منابع معتبر دیگر آمده است، گفته شده که هرگاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرماندهی را برای سپاه اسلام مشخص می کرد، به ایشان توصیه می کرد که خیانت نکنید، پیمان شکنی نکنید، کشته شدگان را مثله نکنید، کودکان را نکشید، درختان را نسوزانید یا قطع نکنید. در همین روایت، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیر سپاه می گوید: «وقتی با دشمنان مشرک برخورد کردی (وَإِذَا لَقَيْتَ عَدُوَّكَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)، ایشان را میان سه انتخاب مخیر کن و هر یک را که پذیرفتند، تو نیز از آنها بپذیر و جنگ را به پایان برسان. نخست اینکه آنان را به اسلام فرا بخوان، اگر پذیرفتند، از ایشان قبول کن ... اگر به اسلام تن ندادند، از آنان جزیه بخواه. اگر پرداخت جزیه را قبول کردند، از آنها بپذیر و با ایشان وارد جنگ مشو. اما اگر قبول نکردند، با یاری جستن از خدا، با آنان بجنگ.» (طوسی، ۱۳۹۶؛ مسلم، بی تا: ۱۳۹/۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹/۵)

این روایت که از نگاه برخی چون مالک و اوزاعی، دال بر جواز اخذ جزیه از هر کافری دانسته شده است (نووی، ۱۳۹۲: ۳۹/۱۲)، به روشنی نشان می دهد که آنچه برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در درجه نخست اهمیت قرار داشت، نه تحمیل اسلام، بلکه پایان دادن به مخاصمه و رسیدن به نوعی مصالحه بوده است. افزون بر این، ناگفته نماند که برداشت دیوید کوک با مفهوم آزادی و اختیار در پذیرش دین و سایر مضامین مشابه قرآنی در این باب همخوانی ندارد (برای نمونه رک: بقره: ۲۵۶، انسان: ۳، نحل: ۱۲۵، غاشیه: ۲۲).

۳-۵. اختلاف نظر در باب ناسخ بودن آیات ۱۱۱ و ۵ سوره توبه

کوک با ناسخ دانستن دو آیه مذکور، ماهیت نظامی جهاد را پیرنگ می‌نماید، از این رو بایسته است در این باب یک بررسی چند سویه صورت بگیرد:

۳-۵-۱. بررسی ناسخ و منسوخ بودن آیات

درباره ناسخ یا منسوخ بودن آیه سیف دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. از نگاه برخی مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی، این آیه ناسخ آیات صلح است و حکم گذشت نسبت به کفار و خودداری از جنگ با آنها را ازاله می‌کند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲/۵؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۲۶۶/۴؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۳/۱۰) بر اساس این آیه، تمام پیمان‌نامه‌های بسته‌شده میان پیامبر و مشرکان نسخ می‌گردد. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۹۹/۴) در مقابل برخی معتقدند این آیه با عبارت «فَأَمَّا مَنَّا بَعْدُ وَإِنَّا فِدَاءٌ» (محمد: ۴) نسخ شده است. (ابن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۲۳۶/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۷۳/۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۵۵/۱۰) با این حال به گفته قتاده، این عبارت خود با آیه سیف نسخ شده است. (قتاده، ۱۴۱۸: ۴۷) همچنین از ابوداود نقل شده که ابتدای آیه با انتهای آن و آیه ۶ سوره توبه نسخ شده است. (نحاس، ۱۴۰۸: ۴۹۳؛ مقرئ، ۱۴۰۴: ۹۹؛ ابن‌حزم، ۱۴۰۶: ۴۰؛ ابن‌عربی، ۱۴۲۷: ۱۳۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۱۳/۳) به عبارتی دیگر، «فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ» مخصّص داخلی آن است. (جوادی آملی، ۱۹۹۳: ۲۷۶/۳۳) بنا بر نظر عده‌ای دیگر، این آیه محکم و به‌جای خود ثابت و پابرجاست؛ زیرا اتفاق نظر است که از اول اسلام تا زمان وفات پیامبر ﷺ هم عفو بود، هم قتل و فدا. (نحاس، ۱۴۰۸: ۴۹۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۲/۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۷۶/۹؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۷۱/۸) برخی نیز آن را «مُتَسَاء» می‌دانند؛ یعنی با انتقال علت به حکمی دیگر، و خوب به عملی دیگر منتقل گشته است. (سیوطی، ۱۳۹۴: ۶۹/۳؛ زرکشی، ۱۳۷۶: ۴۲/۲) همچنین قابل ذکر است که برخی از مفسران همچون طوسی، طبری، طباطبایی و دیگران، سخنی از ناسخ و منسوخ بودن آیه به میان نمی‌آورند.

گفتنی است درباره تعداد آیاتی که با آیه سیف نسخ شده نیز اختلاف وجود دارد. عده‌ای از اندیشمندان متقدم قرآنی آیات بی‌شماری را با آیه سیف منسوخ دانسته‌اند، چنان‌که بعضی آن را ناسخ ۱۲۴ آیه و برخی دیگر ناسخ ۱۱۴ آیه ذکر کرده‌اند! (ابن‌عربی، ۱۴۲۷: ۱۳۹؛ المقرئ، ۱۴۰۴: ۹۸؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۱۵۰؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۸/۳)



روشن است که اختلاف نظر عمیق میان مفسران و دانشمندان علوم قرآنی، دست کم ناسخ بودن آیه ۵ سوره توبه را که دیوید کوک آن را به مانند مبنایی قطعی و مسلم برای نظر خود انگاشته است، با تردید جدی مواجه می‌کند. برخی اسلام‌شناسان غربی نیز با تکیه بر عدم وجود مؤیدات قرآنی و روایی و نیز اختلافات موجود، ناسخ بودن این آیه را نپذیرفته‌اند. (Burton, 1990: 31; Bonney, 2004: 26; Fatoohi, 2013: 120)

همچنین با بررسی تفاسیر ذیل آیه ۱۱۱ سوره توبه ملاحظه می‌شود که هیچ‌یک از مفسران متقدم و متأخر این آیه را ناسخ آیات صلح نمی‌دانند. در واقع این آیه در مقام توصیف جایگاه والای مجاهدانی است که با جان و مال در راه او جهاد می‌کنند. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۶/۱۱؛ طوسی، بی‌تا: ۳۰۵/۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۰۲/۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۹۵/۹) افزون بر این، معنای جهاد منحصر و محدود به جنگ نیست تا بتوان این گونه استدلال نمود که با کشتن و کشته شدن، معامله‌ای پایاپای با خداوند امضا می‌گردد. مطابق گفته طبرسی، چه بسا جهاد با زبان رساتر و نافذتر باشد؛ زیرا اقامه دلیل بر صحت مدعی، بهتر و آشکار ساختن حق و بیان آن، برای پیشرفت دین، سزاوارتر است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۱۳/۴)

۵-۳-۲. بررسی سیاق آیه

تأمل در سیاق و بافت آیات، برای تبیین مسأله نسخ بسیار راهگشاست. با مطالعه آیات قبل و بعد، به نکات زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- توبه: ۴: میان کفار عهدشکن و وفادار به عهد تفاوت وجود دارد و این مخاطرات نظامی و سیاسی شامل همه نیست، بلکه تنها نقض‌کنندگان عهد و توطئه‌گران را دربر می‌گیرد. (ابن عربی، ۱۴۰۸: ۹۰۰/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۴۵/۵؛ بیضاوی ۱۴۱۸: ۷۱/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۴۶/۲؛ نسفی، ۱۴۱۶: ۱۶۷/۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵۰/۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۶۱/۳۳؛ Abdel Haleem, 2010: 152)

۲- توبه: ۶: خداوند از کافران صلح طلب حمایت می‌کند و به مسلمانان فرمان می‌دهد تا شرایطی امن به منظور شنیدن حرف حق فراهم نمایند. به بیانی دیگر، این آیه مقید و مخصّص آیه ۵ است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۷۶/۳۳)

۳- توبه: ۷: قرآن مادامی که آنها به عهد خویش وفادار باشند، وفاداری به عهد را لازم می‌داند. این خود گویای آن است که فرمان به جنگ در مقابل همه مشرکان نیست.

۴- توبه: ۱۱: دشمنان در صورت التزام به اجرای احکام و کنار گذاشتن عهدشکنی مورد عفو قرار می‌گیرند و برادر دینی قلمداد می‌شوند.

۵- توبه: ۱۲: معیار نبرد با سران کفر نقض عهد و توهین به دین است.

۶- توبه: ۱۳: کفر و شرک عامل جهاد و اقامه جنگ نیست، بلکه پیمان‌شکنی و تهاجم دشمن مردمان، علت اصلی بوده است. به عبارت دیگر، این آیه نمود این مطلب است که دیگر پیمان‌ها نقض نمی‌گردد. (Abdel Haleem, 2010: 153)

با درنگ در سیاق آیه و بررسی موقعیت و سبب نزول آیات روشن می‌شود که این آیه به طور مطلق فرمان قتال نمی‌دهد؛ بسا که خود مقید به نقض عهد مشرکان است. بر این اساس، طبق گفته برخی اسلام‌پژوهان، تنها در صورتی آیه ۵ ناسخ تمام آیات صلح است که خارج از بافت خوانده شود و آیات پسین و پیشین ملاحظه نگردد. (Parrott, 2016: 8; Fatoohi, 2013: 114; Abdel Haleem, 2010: 152)

۳-۳-۵. فقدان نگاهی جامع‌نگر

اصول جنگ، صلح و نحوه برخورد با دشمنان در قرآن به طور کلی و بدون دسته‌بندی بیان شده است. عموم خطاهایی که در تلقی آیات جهاد مبنی بر جنگ صورت می‌پذیرد، برخاسته از تکیه صرف بر آیات مطلق و عدم توجه به آیات مقید و آیات دعوت به عفو و صلح است. بنابراین برای دستیابی به نگاهی دقیق و جامع، گزینی از حمل آیات مطلق بر آیات مقید نیست و افراط و توسعه در پدیده نسخ نیز تنها به از جریان انداختن بسیاری از آیات قرآن در طول زمان منجر می‌شود. (نک: Bonney, 2004: 26)

برخلاف ادعای کسانی که آیه ۵ سوره توبه را فرمان بلاشروط جنگ و ناسخ آیات دیگر قلمداد می‌کنند، توجه به سیره نبوی نشان می‌دهد که پیامبر اسلام فرمان جنگ را به طور مطلق تلقی نمی‌کردند، بلکه با توجه به فتنه‌انگیزی، خشونت و عهدشکنی دشمنان، آن دستور را به طور مقید و مشروط در نظر می‌گرفتند. (Peters, ER, Jihad)

بنابراین منطقی‌ترین رویکرد با توجه به قاعده جهانی قرآن و چشم‌انداز جامع‌نگرانه، آن است که اسلام، خواهان جنگ و اجبار در پذیرش دین نیست. (Hayati, 2012: 12)

با مطالعه آیات قرآن در کنار هم و به مثابه یک کلان‌متن و پرهیز از رویکرد خرده‌متن‌انگاری، مشخص می‌شود که در میان آیات صلح و آیه سیف هیچ گونه تعارضی



وجود ندارد، بلکه با آیات دیگر قابل جمع است (نک: مطهری، ۱۳۸۰: ۵۹) و نسخی صورت نگرفته؛ زیرا زمانی می‌توانیم قائل به نسخ شویم که حکمی تغییر یابد یا وقت و دوران آن حکم سپری شود (خویی، ۱۴۳۰: ۳۴۵) و مصلحت آن حکم به مصلحت دیگر مبدل گردد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۵۰/۱) همچنین آیات منسوخ فرض شده بخشی از رهنمودهای اخلاقی در قرآن هستند که بعد اخلاقی شخصیت اسلامی را شکل می‌دهند (Ssenyonjo, 2012: 10) و منسوخ شدن آنها محال است. به بیانی دیگر، برخی احکام خداوند استثناپذیر نیستند (مطهری، ۱۳۸۰: ۶۰)، بلکه هر آیه هدف، زمان و شرایط مختص به خود را دارد و هدف نهایی و متعالی قرآن، ایجاد عدالت، روابط دوستانه بین افراد بشر و صلح است. (Parrott, 2018: 26) بدین لحاظ نمی‌توانیم بپذیریم دیگر آیات جهاد و آیات دعوت به عفو و صلح دارای مصلحت و دوره موقت بوده‌اند و تمام آن آیات نسخ شده‌اند.

۵-۴. در آمیختن آموزه‌های قرآنی با عملکرد مسلمانان در گذر تاریخ

چنان‌که دیدیم، کوک تلاش می‌کند تا نشان دهد که عملکرد مسلمانان و جنگ‌های ایشان ریشه در قرآن و روایات دارد و قرآن در این باب، نقشه راه و اصول راهبردی را برای مسلمانان تبیین می‌کند. پنهان نیست که گروه‌های مختلف مسلمانان در طول تاریخ همواره با استناد به هسته اصلی اسلام، یعنی قرآن، به نحوی برای عملکرد خود کسب اعتبار می‌کرده‌اند. باین‌همه، مناقشه بنیادین آنجاست که بنا بر شواهد و مستندات تاریخی، میان عملکرد مسلمانان با قرآن و آموزه‌های نبوی همواره نسبتی وثیق برقرار نیست. این مسأله وقتی برای ما روشن‌تر خواهد شد که در برهه‌ای از تاریخ دو گروه از مسلمانان خود دچار تنش و تقابل می‌شوند. یک نمونه جالب در این باب، مواجهه میان علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام با خوارج است؛ در هر دو سپاه، مخاطبان نخستین قرآن و افرادی از صحابه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حضور دارند، با این حال قرآن نمی‌تواند گره و مشکل موجود را بگشاید و علی علیه السلام به ابن عباس می‌گوید: «لَا تُخَاصِمُهُم بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وُجُوهِ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ. وَ لَكِنْ حَاجِبُهُم بِالسُّنَّةِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصًا». (نهج البلاغه: نامه ۷۷) این عبارت به‌روشنی نشان می‌دهد که از یک سو قرآن می‌تواند به‌مثابه محملی برای هر دو گروه در احتجاج علیه دیگری به‌کار آید، اما از سوی دیگر آشکار می‌سازد که عملکرد یکی از این دو گروه، یعنی خوارج، عملاً با قرآن و سنت نبوی همخوان نیست. در نامه امام باقر علیه السلام به سعدالخیبر نیز این معنا به‌صراحت بیان شده است: «وَ كَانَ مِنْ تَبْذِهِمُ الْكِتَابِ

أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَحَرَفُوا حُدُودَهُ فَهُمْ يَرُؤُونَهُ وَلَا يَرَعُونَهُ وَالْجُهَالُ يُعْجِبُهُمْ حِفْظُهُمْ لِلرَّوَايَةِ وَالْعُلَمَاءُ يَحْزَنُهُمْ تَرْكُهُمْ لِلرِّعَايَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲/۸) بنا بر کلام امام باقر علیه السلام، گروهی از مسلمانان تنها به پوسته و ظاهر قرآن اکتفا کرده‌اند و مغز و مخ آن را که همانا دستورالعمل‌ها و احکام قرآن است، رها کرده و به تحریف معنای قرآن پرداخته‌اند.

از این رو برخلاف تلقی دیوید کوک، به آسانی نمی‌توان گفت که تاریخ اسلام انعکاسی از آیات قرآن و آموزه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. به بیانی دیگر، گنبد تاریخ اسلام، لزوماً بازتاب‌دهنده درست و تمام‌عیار نوای خوش قرآن و سنت نبوی نیست و به صرف عملکرد مسلمانان از صدر اسلام تاکنون، نمی‌توان به قرآن کریم و سنت نبوی نسبت خشونت داد.

بنا بر آنچه گذشت، هرگونه کاریست خشونت افسارگسیخته و پی‌جویی اهداف سلطه‌طلبانه در این باب، خواه در صدر اسلام تحقق یافته باشد، یا در دوران معاصر از سوی بنیادگرای افراطی و گروه‌های تکفیری به منصف ظهور رسیده باشد، به دلیل مغایرت با قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام مردود و غیر قابل قبول است.

نتیجه‌گیری

بررسی نظرات دیوید کوک درباره جهاد حاکی از مطالعات و تحقیقات گسترده‌ی وی، تسلط به زبان عربی، رجوع به منابع دست اول و شناخت منابع متقدم است. باوجود این نکات مثبت و تحقیقات مبسوط، نقاط ضعفی در پژوهش او به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آن، فقدان نگاهی جامع‌نگر برای دریافت مفهوم و مقصود آیات، اتخاذ رویکرد گزینشی، و عدم تفکیک میان آنچه قرآن خود در باب جهاد می‌گوید با اسلام تحقق یافته در جهان خارج است.

مطالعه آرای کوک نشان می‌دهد که وی بیشتر از دریچه تاریخ به موضوع جهاد نگریسته است، از این رو با چنین رویکردی، آموزه جهاد را به‌سوی مبارزات نظامی و خشونت سوق می‌دهد و آن را نماد جنگ و سلطه‌طلبی، عامل خشونت و گسترش اسلام معرفی می‌نماید. افزون بر این، تمرکز کوک بر واقعیت‌های تاریخی، رویکرد وی را گزینشی کرده است. به تعبیر دیگر، وی از یک‌سو آیات صلح و عفو را یکسره نادیده انگاشته است و از سوی دیگر، در باب آیات مرتبط با جهاد نیز بی‌آنکه موقعیت تاریخی آیات را لحاظ کند، بر مفهوم جهاد نظامی متمرکز شده است. روشن است که



چنین رویکردی با معیار قراردادن واقعیت‌های تاریخی دهه‌ها و سده‌های بعدتر جهان اسلام برای فهم آیات قرآنی، به نوعی زمان‌پریشی منتج شده است.

همچنین دیوید کوک با استفاده از قاعده نسخ، دیگر رهنمودهای الهی را برای همزیستی مسالمت‌آمیز و نیز سیره نبوی را نادیده می‌انگارد. با این همه، نظر کوک مبنی بر ناسخ دانستن دو آیه ۱۱۱ و ۵ سوره توبه، نوعی افراط و توسعه در مفهوم نسخ جهت نیل به مقصود به نظر می‌رسد. چنین رهیافتی حکایت از تمایل بسیار کوک به تطبیق اسلام تحقق یافته در خارج با آموزه‌های قرآنی دارد. بنابراین در تأکید و تحدید مفهوم جهاد به جهاد نظامی با نظرگاه کوک نمی‌توان همراه و همدل شد، بلکه یک مطالعه دقیق و همه‌جانبه آشکار می‌سازد که این مفهوم، معنا و گستره بسیار وسیعی را دربر می‌گیرد. اساس اسلام نیز دعوت جهانیان به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز و دوری از جنگ، خونریزی و فتنه‌انگیزی است و مدعای کوک با دستورات و فرامین قرآنی تطابق ندارد. جهاد آموزه‌ای الهی است و هدف آن، نجات مستضعفان، نابودی کفر، اشاعه توحید و برقراری صلح و عدالت می‌باشد.

افزون بر این، با وجود تصدیق دیگر مصادیق جهاد در قرآن، کوک سرانجام به این نتیجه می‌رسد که جهاد اکبر از ماهیتی قرآنی برخوردار نیست و جهاد محدود به جهاد نظامی می‌شود. همان‌طور که در ضمن مقاله بررسی گردید، این استدلال به هیچ روی مقبول نیست؛ زیرا دانستیم که او به جای تبعیت از شواهد قرآنی و روایی، با رویکردی تاریخی و الهام از روش تفسیری یهودیان و مسیحیان، به دنبال نفی آموزه جهاد اکبر و وسعت معنایی جهاد است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آلوسی، محمودبن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن اثیر، مبارک‌بن محمد (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن‌بن علی (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم تفسیر، بیروت: دارالکتب العربی.
۶. ابن حزم، ابومحمد (۱۴۰۶ق)، الناسخ و المنسوخ فی القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

٧. ابن دريد، محمدبن حسن (١٩٨٨)، جمهرة اللغة، بيروت: دارالعلم للملايين.
٨. ابن عاشور، محمد طاهر (١٤٢٠ق)، التحرير و التنوير، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
٩. ابن عربي، محمدبن عبدالله (١٤٢٧ق)، الناسخ و المنسوخ في القرآن الكريم، بيروت: دارالكتب العلمية.
١٠. ابن عربي، محمدبن عبدالله (١٤٠٨ق)، احكام القرآن، بيروت: دارالجيل.
١١. ابن عطية، عبدالحق (١٤٢٢ق)، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، بيروت: دار الكتب العلمية.
١٢. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤١٩ق)، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار الكتب العلمية.
١٣. ابن هشام، عبدالملك (١٣٧٥ق)، السيرة النبوية، چاپ دوم، قاهره: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
١٤. ابوحيان، محمدبن يوسف (١٤٢٠ق)، بحرالمحيط في التفسير، بيروت: دارالفكر.
١٥. ازهرى، محمدبن احمد (١٤٢١ق)، تهذيب اللغة، بيروت: دار الحياء التراث العربي.
١٦. بياضوى، عبدالله بن عمر (١٤١٨ق)، أنوار التنزيل و أسرار التأويل، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
١٧. پاكتنجى، احمد (١٣٦٧)، جهاد، در مقالات دايرة المعارف بزرگ اسلامى، ج ١٩.
١٨. تيمى، يحيى بن سلام (١٤٢٥ق)، تفسير يحيى بن سلام التيمى البصرى القيروانى، بيروت: دار الكتب العلمية.
١٩. ثعلبى، احمدبن محمد (١٤٢٢ق)، الكشف و البيان المعروف بتفسير الثعلبى، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
٢٠. جصاص، احمدبن على (١٤٠٥ق)، احكام القرآن، بيروت: دار الحياء التراث العربى.
٢١. جوادى آملى، عبدالله (١٣٩٣)، تسنيم، قم: مركز نشر اسراء.
٢٢. حر عاملى، محمدبن حسن (١٤٠٩ق)، وسائل الشيعه، قم: مؤسسه آل البيت (عليه السلام).
٢٣. خويى، سيد ابوالقاسم (١٤٣٠ق)، البيان في تفسير القرآن، قم: مؤسسه احياء آثار الامام الخوئى.
٢٤. رازى، ابوالفتوح حسين بن على (١٤٠٨ق)، روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن، مشهد: آستان قدس رضوى.
٢٥. زرکشى، ابو عبدالله (١٣٧٦ق)، البرهان في علوم القرآن، بيروت: دار إحياء الكتب العربية.
٢٦. زمخشرى، محمودبن عمر (١٤٠٧ق)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، چاپ سوم، بيروت: دارالكتاب العربى.
٢٧. سيوطى، عبدالرحمن (١٣٩٤ق)، الإتقان في علوم القرآن، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
٢٨. _____ (١٤٠٤ق)، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله مرعشى نجفى.
٢٩. شوکانى، محمد (١٤١٤ق)، فتح القدير، دمشق: دار ابن كثير.
٣٠. طباطبايى، سيد محمد حسين (١٣٩٠ق)، الميزان في تفسير القرآن، چاپ دوم، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۳۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۳۳. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب العلمیه.
۳۵. _____ (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. عاملی جبعی، زین الدین (۱۳۸۷ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، بیروت: دارالعالم الاسلامی.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۳۸. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق)، قاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۹. قتاده بن دعامة السدوسی (۱۴۱۸ق)، الناسخ و المنسوخ لقتاده، چاپ سوم، بغداد: مؤسسة الرساله.
۴۰. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، جامع الاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، جهاد، قم: انتشارات صدرا.
۴۳. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۴. مقرئ، ابن سلامه (۱۴۰۴ق)، الناسخ و المنسوخ، بیروت: المکتب الاسلامی.
۴۵. نجفی جوهری، محمد حسن (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. نحاس، ابوجعفر (۱۴۰۸ق)، الناسخ و المنسوخ، کویت: مکتبة الفلاح.
۴۷. نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۶ق)، مدارک التنزیل و حقایق التاویل، بیروت: دار النفائس.
۴۸. نووی، یحیی بن شرف (۱۳۹۲ق)، المنهاج فی شرح صحیح مسلم بن حجاج، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۹. نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت: دارالجیل.
50. Abdel Haleem, Mohammad (2010), "Qur'anic 'jihād': A Linguistic and Contextual Analysis", Edinburgh: *Journal of Qur'anic Studies*, Vol. 12.
51. Afsarddin, Asma (2007), *The First Muslims: History and Memory*, England: One world publications.
52. Afsaruddin, Asma (2006), *Jihad, in the The Quran: an Encyclopedia*, Leamon, New York: Routledge First edition.
53. Armstrong, Karen (2015), *Fields of blood: religion and the history of violence*, New York: Anchor books, First Edition.
54. Bakircioglu, Onder (2010), "A socio-legal analysis of the concept of jihad", in *The International and Comparative Law Quarterly*, Cambridge: Cambridge University Press, Volume 59.
55. Bonner, Michael (2006), *Jihad in Islamic history*, New Jersey: Princeton University Press, First edition.

56. Bonney, Richard (2004), *Jihad from Qur'an to bin Laden*, London: Palgrave Macmillan, First edition.
57. Burton, John (1990), *The sources of Islamic law*, Edinburgh: Edinburgh university press, First Edition.
58. Cohen, Moshe (2013), "War and peace in Judaism and Islam", in *The Arabic and Islam Studies*, Israel: Achva Academic College.
59. Cook, David (2001), *The Beginnings of Islam as an Apocalyptic Movement*, Chicago: University of Chicago, The Center for Millennial Studies (CMS).
60. Cook, David (2005), *Understanding Jihad*, London: University of California Press, First Edition.
61. Cook, David (2011), "religious and spiritual perspective on terrorism", in the *The SAGE Encyclopedia of Terrorism*, California: California State University, Dominguez Hills, Second Edition.
62. Cook, David (2012), Fighting to Create the Just State, Apocalypticism in Radical Muslim Discourse, In *The , Just Wars, Holy Wars, and Jihads: Christian, Jewish, and Muslim Encounters and Exchanges* Sohail H. Hashmi, Oxford: Oxford University Press.
63. Crone, Patricia (2007), *Jihad: idea and history*, open democracy.
64. Fatoohi, Louay (2013), *Abrogation in the Qur'an and Islamic Law: A Critical Study of the Concept of "naskh" and Its Impact*, New York: Routledge, First Edition.
65. Hayati, Aydin (2012), *Jihad in Islam*, Turkey: Yuzuncu Yil University.
66. Heck, Paul. L (2004), "Jihad Revisited", in *The Journal of Religious Ethics*, Blackwell Publishing Ltd Vol. 32, No. 1.
67. Huzen, Kent Bob (2005), *Framework for Understanding: Theoretical Concept of Jihad in Islam*, Canterbury: University of Canterbury.
68. Huzen, Kent Bob (2007), *Islamic Jihad: Origin and Historical Approach*, Canterbury: University of Canterbury.
69. Kelsay, John (2007), "Jihad", in *The International Encyclopedia of the Social Sciences*, USA: Macmillan, 2nd Edition.
70. Kelsay, John (2007), "Review of Understanding of Jihad", in *The International Journal of Middle East Studies*, Cambridge: Cambridge University Press, Vol. 39, No. 1.
71. Marranci, Gabriele (2006), *Jihad beyond Islam*, New York: Berg, First Edition.
72. Parrott, Justin (2016), *Jihad as Defense: Just-war theory in the Quran and Sunnah*, Yaqeen Institute for Islamic Research.
73. Parrott, Justin (2018), *Abrogated rulings in the Qur'an: Discerning their Divine Wisdom*, Yaqeen Institute for Islamic Research.

74. Rudolph, Peters (2005), “Jihad”, in *The Encyclopedia of Religion*, USA: Macmillan Reference, 2nd Edition.
75. Spencer, Robert (2005), *The politically incorrect guide to Islam and the crusades*, Washington: Regnery publishing, First edition.
76. Ssenyonjo, Manisuli (2012), *Jihad Re-Examined: Islamic Law and International Law*, Santa Clara: Santa Clara university.
77. Tasseron, Ella Landau (2001), “Jihad”, in the *Encyclopedia of the Quran*, Brill Publishers.
78. Tyan, E, (1991), “jihad”, in the *Encyclopedia of the Islam*, Brill Publishers.
79. <https://reli.rice.edu/people/faculty/david-cook>.

